

علم تاریخ

مترجم: محمد امین اریب

موضوع تاریخ

تاریخ بمعنی عام مطالعه گذشته و به مفهوم خاص مطالعه گذشته جمعیت‌های بشری را میگویند. علم تکوین عالم (کوسموگونی) که کم و بیش فرضی است تاریخ جهانرا تشکیل میدهد، ژئولوژی تاریخ زمین و پالیاتولوژی یا علم آثار محجر تاریخ موجودات ازین رفته است.

تاریخ بمعنای خاص حوادث مخصوصی را که گذشته جمعیت‌های بشری را تشکیل میدهد مطالعه مینماید. این تعریف تفاوت تاریخ را از سایر علوم نشان داده و توضیح میدهد که چرا بعضا در اطلاق کلمه علم بر آن تردید مینمایند.

کلیه علوم به شمول جامعه شناسی کلیات را مورد مطالعه قرار میدهند، تنها تاریخ است که حوادث خاصی را که هرگز به عین صورت تکرار نمیکرد مطالعه مینماید زیرا شرایط زمان و مکان همواره در تغییر است. مردان بزرگ آثار خود را در تاریخ میگذارند اما تصمیمات ایشان غالباً پیشینی نمیشود و ممکن است عوامل کوچکی نتایج بزرگی بیار آورد بی مورد نیست این گفته باسکال را ذکر کنیم: «اگر دماغ کلیو پاتر کمی کوتاه تر می بود وضع دنیا تغییر میکرد». تاریخ يك علم احتمالی است در حالیکه سایر علوم نسبت های حتمی را برقرار می سازند.

از طرف دیگر احکام تاریخ قاطع نیست و امکان ندارد که يك استدلال و مشاهده را دوباره تکرار نموده و یا تجربه ای را از نو شروع نمائیم، گذشته را که تاریخ مطالعه می نماید هرگز (حال) نمیشود بنابراین در قید هیچگونه آزمایش و تجربه نمی آید.

نظر به این ملاحظات تاریخ از سایر علوم متفاوت است و بیشتر به هنر شباهت دارد زیرا مانند هنر جنبه های فردی حقایق را که مستلزم قوه تخیل است در بر میگیرد از این جهت تاریخ را شعبه ای از ادبیات بشمار می آورند .

از دیگر جهات تاریخ به سایر علوم نزدیکتر بوده و از هنر تفریق میگردد زیرا مرام تاریخ نیز مانند علوم دیگر کشف حقیقت است و در نزد تاریخ حقیقت بیش از زیبایی اهمیت دارد. مورخ باید دارای روح علمی و انتقادی بوده و یک روش دقیق را بکار بندد .

ارنست رنان (۱۸۲۳ - ۱۸۹۲) نویسنده فرانسوی حق دارد که تاریخ را يك علم فرضی ، بداند ولی با اینهمه دیگر دلیلی ندارد که حقایق تاریخی را که به کمک يك روش انتقادی دقیق بدست آمده است مورد تردید قرار دهیم .

تقسیم تاریخ:

تاریخ شعبات آتی را در بر میگیرد: تاریخ سیاسی و حقوقی ، تاریخ دیپلوماسی و نظامی ، تاریخ اقتصادی ، تاریخ ادیان و مفکوره های اخلاقی و رسوم و رواجها تاریخ ادبیات و هنر و علوم و فلسفه .

روش تاریخ:

روش تاریخ شامل از سایر علوم فرق دارد زیرا در اینجا موضوع مطالعه ما را گذشته تشکیل میدهد (حوادث معاصر مانند جلسه ای که امروز در پارلمان تشکیل می گردد در حقیقت يك حادثه گذشته است) باری چون گذشته حال نمیگردد بنابراین مستقیما قابل مشاهده نیست ، تاریخ را از روی آثاریکه باقیمانده است میشناسد

این آثار را مدارک مینامند *شروع نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
دو نوع مدارک وجود دارد: مدارک مادی یعنی آثار مادی گذشته که زبان در آن دخالت ندارد مانند هر نوع بناها و عمارات ، اثاثیه ، البسه ، جواهرات و افزار کار و اسلحه و غیره ، و مدارک نفسانی یا آثاریکه در ضمیر و نهاد مردم باقیمانده است و بوسیله علائم محسوس اظهار میشوند و مانند آثار حکاکه شده و یا به زبان تعلق می گیرند مانند نوشته ها ، کتیبه ها و آثار چاپی و یا روایات شفاهی که نسل به نسل باقیمانده است .

موضوع انتقاد تاریخی را تعیین ارزش این مدارک و استخراج حقائق درباره گذشته بشر ، تشکیل میدهد . باید بین انتقاد مدارک مادی و انتقاد مدارک نفسانی که از جمله انتقاد شهادت را نیز در بر دارد ، فرق قایل شد .

انتقاد مدارك مادی:

مدارك مادی بعضی در زمین ثابت اند مانند ابنیه که باید در محل شان مورد مطالعه قرار گیرند و گاهی در موزیم ها و کولکسیون ها حفاظت میگردند و باید مورخ فهرست این موزیم ها و کولکسیونها را بداند.

مؤرخ باید مبداء و صحت و سقم مدرکی را که مطالعه مینماید تعیین نماید. مبداء یعنی در کجا و چه وقت ایجاد گردیده است؟ و در صورت لزوم نویسنده و یا مالکین آن چه کسانی بوده اند؟

صحت و سقم يك مدرک باید تعیین گردد تا مبادا آثار مصنوعی و غلط را که بعضا بغرض فروش و یا صرف تفریح درست مینمایند در عوض اسناد و مدارک حقیقی جانزده باشند.

وقتی مبداء و صحت يك مدرک تثبیت گردید میتوان از روی مدرک مورد مطالعه بطریقه ایجاد آن پی برد و آنرا با سایر مدارکی که قبلا شناخته شده است مقایسه نمود. کشف طریقه هائی که برای ایجاد يك مدرک بکار برده شده است نشانه تخنیک عصر و سطح معلومات مردم آن شمرده میشوند میتوان با بکار بردن طریقه استدلال تشبیهی نیز تعیین نمود که اثر بدست آمده چه احتیاجی را رفع مینموده و برای چه منظوری ساخته شده است، زیرا اگر اساس غایت در طبیعت مورد نظر نیست از طرف انسان بکار برده شده و هر يك از اعمال انسانی دارای هدف و مقصدی میباشد بنابراین با کشف احتیاجات يك عصر میتوان به درجه تمدن آن عصر وقوف حاصل کرد.

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

انتقاد مدارك نفسانی:

بسیاری از اسناد و مدارک نفسانی، خطی و یا چاپی، در آرشیوها و کتابخانه ها نگهداری شده است و مؤرخ باید فهرست عمومی این اسناد را بداند. در انتقاد مدارک نفسانی بر علاوه طریقه هائیکه در انتقاد مدارک مادی بکار میرود از روشهای دیگری نیز استفاده بعمل می آید:

مدارك نفسانی غالبا از عبارات حکاکمی شده و نوشته شده و یا چاپی و با تلفظ تشکیل میگردد، قبل از همه این عبارات باید خوانده شود و هر يك از علامات به الفاظ تعبیر گردد، سپس این الفاظ ترجمه شده و مفهوم و مفکور، ای که به آن تعلق می گیرد درک گردد زیرا اغلب يك کلمه معانی مختلفی دارد.

رادارامی باشد و برای تعبیر صحیح کافی نیست که تنها زبان نویسنده و مردم آن عصر را بدانیم بلکه لازمست تا ترتیب و پیش و پس قرار گرفتن کلمات رادریک جمله نیز مدنظر داشته باشیم.

بعد از اینکه این مدارك خواننده و تعبیر شد باید دربارهٔ مبدأ یعنی زمان و مکان و نویسندهٔ آن و همچنین دربارهٔ صحت و سقم آن تامل نمود: «بهترین وسیله برای انتقاد مبدأ یک مدرك تجزیة باطنی آن یا معلوم کردن علائمی است که دربارهٔ نویسنده و عصر و ثنوری که در آن بسر میبرد به ما معلومات میدهد.» نوشته ها زبان و فورمولهای حقوقی و اشاراتی که به حوادث عصر شده است، از جملهٔ علائم قیمتداری به شمار می رود:

در مورد یک اثر چاپی نه تنها تاریخ انتشار آن بلکه تاریخ انشای هر قسمت آن باید مدنظر باشد و حتی مسوده و نسخهٔ قلمی اولی آن مطالعه گردد. مخصوصاً در تاریخ ادبیات دلچسپ تر است اگر تغییراتی که بین چاپ اول و آخرین چاپ یک اثر پیش می شود از نظر مؤرخ دور نماند.

انتقاد دربارهٔ صحت و سقم یک مدرك باید همزمان با انتقاد دربارهٔ مبدأ آن صورت بگیرد زیرا مدارك غلطوبی اساس نیز فراوان است که موجودین آنها با کمال دقت خواسته اند در عوض مدارك حقیقی آنها را جایزنند و اسنادی در مورد مبدأ آن جعل نموده اند مؤرخ باید این گونه تقلب کار بهارا که بعضاً در اثر تضاد باطنی زود ظاهر می شود کشف نماید.

بعد از حصول اطمینان از درستت یک مدرك باید در بارهٔ اینکه توسط اشخاص دیگری در آن تحریف و تصرف بعمل نیامده باشد تحقیق کرد زیرا بعضاً مدارك حاوی جملات و عبارات و تشریحاتی میباشد که از نویسنده حقیقی آن نیست و توسط دیگران در متن آن گنجانده شده است مانند اینکه بعضی هادر موقع نقل آثار نویسندگان روم و یونان قدیم عقاید شخصی خود را نیز در آن داخل ساخته اند همچنین دنبالهٔ بعضی از آثار را نویسنده دیگری غیر از نویسنده حقیقی آن نوشته است بدون اینکه در این مورد تذکری از طرف شخص مزبور بعمل آمده باشد، بر علاوه احتمال دارد که ناقل یک اثر در خواندن و یا فهم مطلب مرتکب اشباه شود بنابراین این یک مؤرخ باید اینگونه تحریفات و غلطی هارا اصلاح نماید و انتقاد در مبدأ و در درستت و همچنین در اصلاح یک

مدرك صرف مقدماتی بوده و نتایج منفی دارد و تنها از بكار بزدن مدارك غلط جاو گیری می نماید بدون اینکه طریقه استفاده کردن از مدارك حقیقی را بیاموزد .
برای استفاده از مدارك حقیقی باید انتقاد شهادت را بكار برد .

انتقاد شهادت

شهادت عبارت است از اظهار و تصدیق يك واقعه توسط شخص که از حقیقت آن اطلاع دارد موضوع انتقاد شهادت را تعیین ارزش اینگونه اظهارات و شهادت ها تشکیل می دهد .

باید اظهارات دست اول را که توسط شخص شاهد و واقعه صورت می گیرد از اظهارات دست دوم که توسط شخصی ثالثی نقل قول میشود و با اظهارات مجهول که روایت کننده آن معلوم نیست ، تشخیص نمود .

در صورت اظهارات دست اول باید مؤرخ اطمینان حاصل نماید که آیا شهادت دهند . در مطالب خویش جدی است و یا اینکه از روی استهزاء و کنایه سخن میگوید ، زیرا بعضاً بدون اینکه منظور دروغ گفتن را داشته باشند در صورتیکه مخاطب آدم زیرك باشد و کنایات را تعبیر نموده بتواند مطالب را در لفافه و بصورت کنایه اظهار می نمایند . اما تعبیر و فهم کنایات مخصوصاً که در آثار گذشتگان باشد اغلب مشکل است مثلاً وقتی اریستوفن (شاعر شهیر و کومیک آتن که در اطراف ۴۰۰ قبل از میلاد زندگی می کرد) از زبان یکی از قهرمانان خود میگوید ، و ۶۰۰۰ هیلیماس شما! (هیلیماس است عضو هیلیمه داد گاه آتن) ، نباید چنین تصور کرد که در اگاه مزبور دارای ۶۰۰۰ عضو بوده است بلکه اریستوفن با این عبارت میخواسته است این مؤسسه دیمو کراتیک را بیاد تمسخر بگیرد .

فرض کنیم که مطالب گوینده جدی است با آنها باید دید که آیا از روی صداقت حرف میزند و يك آدم راستگو و درست کار و قابل اعتماد است یا خیر ؟

قرار نظریهٔ «توماس رید» (۱۷۱۰-۱۷۹۶) روانشناس اسکاتلندی در دو صورت مردم به شهادت اعتماد می نماید یا موقعیکه از صداقت گوینده اطمینان داشته باشند و یا در صورت خوشبختی ، انسان در صورتیکه منافع و عواطف او را بدروغ گوئی و ادار نسازد از حقیقت نمیگذرد ، آنهائیکه شنیدگی هایشان را به سبب نداشتن دلایل قوی برای رد آنها قبول می نمایند در زمرهٔ افراد خوشبخت و محسوب می گردند .

مؤرخ باید خصوصیات شاهدرا مدنظر داشته و شرایطی را که در موقع نوشتن اثر حکمفرما بوده است از نظر دور ندارد دو اسبابی را که باعث دروغگوئی راوی شده است کشف نماید، مانند منافع شخصی، آرزوی حصول يك امتیاز عملی، این نوع دروغ در اسناد رسمی و مدارك پارلمانی بیشتر وجود دارد، میل به خودخواهی و با ارزش نشان دادن شخصی خود و دوستی یا دشمنی بایکدسته مردم (فامیل، شهر، ایالت، کشور، حزب و مذهب) و یا با بعضی عقیده‌ها (فلسفه، نظریات اجتماعی، دین)، و یا برای جلب طرفداری مردم با اظهاراتی که منافی افکار عصر نباشد، و یا تغییر وقایع و مبالغه بمنظور جلب توجه خوانندگان.

درک حالات روحی و عواطف يك عصر غالباً مشکل است. وقتی يك نویسنده کاتوليك در ضمن تشریح جنگهای صلیبی از تلفات خارق العاده دشمن سخن میگوید گرچه نفعی در اینکار ندارد اما این امر را سبب افتخار و شایان تحسین می‌داند بعد از اینکه از بیغرضی و صداقت شاهد اطمینان حاصل کردیم باید این نکته را نیز فراموش نکنیم که آیا شخص مزبور خود دچار اشتباه نشده است و آنچه را که نوشته است بدرستی درک نموده است یا خیر؟ زیرا بسیار امکان دارد که نویسنده در آنچه که نوشته است دچار اشتباه و توهم شده باشد. مثلاً اینکه میگویند «تور» باشیطان جنگیده است يك واقعه حقیقی نیست و صرف در اثر خیال بردازی راوی بوجود آمده است، احتمال دارد که شاهد در رسم و مشاهده دچار اشتباه شود و یا اینکه واقعه را فراموش نموده و غلط به خاطر بیاورد. تجارب روزانه نشان میدهد که مردم درست مشاهده نمی‌نمایند و وقایع را غالباً غلط درک می‌کنند. نظریات و عقاید و اقعه‌ها نسبت به بعضیها نسبت به بعضی دیگر معتبرتر است مثلاً حرف يك طبیب در مواردیکه موضوع بحث، يك جراحت، يك نا جوری و یا مرگ باشد بیشتر قابل قبول است. تمام این عملیات مقنضی است که مؤرخ زندگی درونی انسانهای گذشته را، حتی در صورتیکه در عواطف و عقاید ایشان شریك نیز نباشد، از روی دقت و باریك بینی درک و اظهار نماید. «عصاره انتقاد» همانطوریکه رنان در خاطرات طفلی و جوانی خود نوشته است، عبارت است، از فهم و درک حالات محیطی که در آن بسر می‌بریم، وقتی ثابت شد که شاید آنچه را میگوید میدانند و آنچه را میدانند میگویند، و صداقت و صلاحیت او بر ماتئیت گردید و فهمیدیم که در گفته خود اشتباه نموده است و قصد مشتبه ساختن را ندارد پس در این صورت میتوانیم اظهارات او را موقتاً قبول نماییم.